

قدر مسلم شناخت سند، به طور معمول و متعارف آن، به مكتوب و نوشتهای اطلاق می‌شود که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. سند یعنی: دلیل، مدرک، رسید، قبض. نوشتهای که قابل استفاده یا استناد باشد چیزی که به آن اعتماد کنند. لفظ مدرک که بیش و کم به عنوان مترادفی برای سند، مطرح است؛ یعنی: محل ادراک، حس، زمان ادراک، مأخذ و دلیل چیزی و جمع آن مدارک است. سند از دیدگاه مدیریت استناد هم عبارت است از: «هر نوع اطلاعات ثبت شده در هر سازمان که به اشکال نوشتهای، دیداری- شبیداری، مغناطیسی، الکترونیکی و غیره، قابل تنظیم و پهرواری است».

بنابراین اسناد تاریخی، بخشی از محتويات بایگانی‌ها و حافظه از فعالیت‌های دیوان‌سالاری و سیر تحولات اداری ماست که امروزه از مهمترین منابع پژوهشی به شمار می‌آیند. و کلیه مکاتبات سلطنتی و دیوانی و اخوانی و نیز اسناد مالی و قضایی (اوراق اسنادی و اوراق صریحه) یا از دیدگاهی دیگر تمامی اسناد عرفی و شرعاً... که به طور طبیعی در اثر فعالیت‌ها و علمیات اشخاص و سازمان‌ها به وجود آمده و تحکیم روابط مردمان را با یکدیگر و یا با دولتمردان خویش مشخص و مستحکم می‌سازد؛ شامل می‌شود و هر ورق از این استناد می‌تواند تاریخ‌گاران را با مهمترین حوادث و وقایع ناگفته و ناشنیده تاریخی، آشنا کنند. با این وجود و با توجه به مطالب مسطوره، معنی اصطلاحی سند این گونه دریافت می‌شود: «هرگاه اسناد از حالت جاری و نیمه جاری خارج شده و جنبه ماندگاری و آرشیوی شدن دائم پیدا کردد و مورخین در پژوهش‌های تاریخی خود به آنان استناد ورزند معنای اصطلاحی سند به شمار می‌آید».

آنچه که مسلم است؛ هنوز تکفیک قابل ملاحظه‌ای، بین سند و مدرک وجود ندارد و گاه به جای یکدیگر نیز به کار می‌رond. عده‌ای اسناد غیرمکتب از قبیل: عکس، فیلم، نوارهای، صفحات صدا، تصویر و رایانه و امثال آن را صرف نظر از ویژگی خاص شان مدرک گفته‌اند. برخی آنچه که هنوز ارزش پژوهشی - آرشیوی آن مشخص و محرز نشده باشد؛ مدرک ولی وقتی ارزش ماندگاری آنان احراز شد؛ به عنوان اسناد آرشیوی مطرح می‌شوند.

بدین سان آرشیو ملی و یا سازمان اسناد ملی ایران، جایگاهی بوده و هست که اسناد و مدارک ملی و دولتی و مجموعه‌های اهدایی و خردباری و...

تعابیر از سند و سند‌شناسی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخ

• محسن روستایی

سندپژوه و فهرست‌نویس اسناد تاریخی



مربوط به گذشته است و چنانچه اطلاعات گذشته را حذف کنیم، برای ما شکل دیگری خواهد داشت. تجارت ارزشمند گذشته اساس و بایه زندگی را تشکیل می‌دهد و پیشرفت و توسعه مرهون تجارت علمی و فنی نسل‌های گذشته است که وسعت عینی و واقعی آن‌ها در محتوای درونی و بروئی اسناد تاریخی و آرشیوی منعکس و تبلور یافته است.

لذا بدین خاص، صاحب‌نظران معتقدند: اسناد با توجه به ارزش اولیه‌شان (یعنی: اداری، مالی و حقوقی) و نیز به‌واسطه‌ی ارزش ثانوی آن‌ها که هماناً اهمیت تاریخی و پژوهشی اسناد آرشیوی است، می‌توانند دولتمردان را در سیاست‌گذاری‌ها و انجام پروژه‌های: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی... و نیز مورخین را در تبیین و تحلیل تاریخ‌نگاری مستند، مدقق، رساند و اشتباهات و خطاهای کاربردی و تاریخی این دو طبقه‌ی مهم و مؤثر (کارگزاران و مورخین) را به حداقل ممکن کاهش دهند. از این رو ارزش اولیه و ثانویه سند باعث خواهد شد، عاملان و کارگزاران نظام‌های اداری و نیز مورخین فرهنگ‌یاب و حقیقت‌جو به طور مستمر، دائم به اسناد آرشیوی رجوع نمایند و بهره‌های کافی و

حیات‌بخشی را با استناد و استنباط از آن‌ها دریافت دارند.

بنابر مبانی نظری و شواهد سندشناسانه نسبت به فلسفه وجودی تاریخ، به طور کل، هویت هر چیز به تاریخ و فلسفه‌ی آن بستگی دارد و همواره فلسفه تاریخ زمانی رابطه علت و معلولی خود را میان رویدادهای تاریخی حفظ خواهد کرد که بر پایه سنت و اخبار کذب و به دور از واقعیت، بنا نشده باشد و بر ایزار و تکیه گاهی محکم و معتبر، همچون سند تاریخی تکیه کرده باشد. آیا می‌توان گفت فلسفه وجودی حقیقتی را که هرگز تاریخ مشخص و مدونی ندارد تعیین و تبیین کرد؟ این جاست که باید اذعان داشت، چه بسا فلسفه از درون تاریخ می‌جوشد و متنزع می‌شود زیرا چنانچه تاریخ چیزی دانسته نشود، چگونه می‌توان فلسفه آن را دریافت و ادراک کرد.

چنان‌که که شرح زندگی، بررسی نحوه‌ی اقدامات و تصمیم‌گیری و اسنایی با قطه نظرات افراد، سازمان‌ها و مقامات تصمیم‌گیرنده یک قوم و ملتی در گذشته، بیانگر اهداف و نیات واقعی و روش‌نگر فلسفه وجودی آن‌هاست. همچنان که در زندگی فردی، شجره و نسب‌شناسی میین هویت فردی و خانوادگی است. در زندگی اجتماعی، قومی و ملی هم، تاریخ و سرگذشت ملت و امته‌ها نشان‌دهنده‌ی استواری و پایداری آن‌ها در جریانات زندگی است. ملتی هوشیار است که افراد آن آگاه و آشنا به مسائل علمی هستند، همواره در جمع اوری و حفظ و نگهداری اسناد می‌توشنند. زیرا که سند مهمترین عامل پیوند اثرو و مؤثر و رابطه دقیق و واقعی علت و معلولی حوادث و رویدادهایی است که تاریخ اصیل و هدایت‌گر را می‌سازند و سرانجام فلسفه تاریخ از آن به بهترین وجهی نشأت می‌پاید و حاصل آن چیزی جز تاریخ‌نگاری مستدل و روشنده و کاربردی و عبرت‌آموز نخواهد بود.

اماگفتی است که درخصوص تدوین و تنظیم اصول و شاخه‌های اسناد تاریخی، نه آثار به اندازه‌ای داریم و نه آموزه‌ها و تشریح سندشناسانه این اسناد را برای دانشجویان تاریخ و پژوهشگران و فهرست‌نویسان اسناد قدمی و معاصر، جدی گرفته‌ایم، از دیگر سوی در بررسی برخی از آثار سندی و یا اسناد تاریخی، پژوهشگران و فهرست‌نویسان انواع سند

که ارزش نگه‌داری دائمی دارند و مورخین و کاربران پژوهش‌های اسنادی و شجره‌شناسان به آن رجوع می‌کنند؛ در آن حفظ و نگه‌داری می‌شود. البته پس از عبور از مرحله‌ی شناسایی، گردآوری، ارزش‌یابی، انتقال، تهییه‌ی شناسنامه در بایگانی کل تنظیم و توصیف (فهرست‌نویسی اسناد)، ذخیره‌سازی و بازبایی اسناد... که این فرایند در چهارچوب مدیریت اسناد و مدیریت آرشیو عملیات کمی و تخصصی آن کنترل، تعریف و اجرا می‌شود.

به هر صورت به سبب اضالت وجودی اسناد تاریخی و نیز بهجهت اینکه هر برگ سند با زمان و رویدادهای مشخص و واقعی وابستگی تام و تمام داشته است و رابطه حقیقی بین اثر و مؤثر در آن‌ها بخوبی حفظ شده است و دخل و تصرفات سیقه‌ای در آنان دیده نمی‌شود و هر سند آینه‌ی تمام‌نمای واقعه‌ای است که برای آن مکتوب و تولید شده است؛ به قولی سرچشم‌های پژوهشی به ویژه تحقیقات تاریخی به اعتبار اسناد آرشیوی صلاحت، سندیت و اهمیت می‌یابند و در این میان، سایر منابع تحقیقی در مرحله‌ی بعدی اهمیت قرار دارند.

لذا این دسته از مدارک آرشیوی حاوی مطالب و نکات بسیاری درباره‌ی مسائل تاریخ فرهنگی، هنری، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی، قضایی، مالی، نظامی، تاریخ محلی و حتی رجال شناسی است که اگر چنانچه طبق اصول و موازین علمی مورد استفاده و بررسی قرار گیرند؛ می‌توانند بسیاری از مسائل فراموش شده در فرهنگ و تمدن و رویدادهای حقیقی و ناشناخته در تاریخ را از لبه‌لای سطور و خطوط پیچیده و رنگ بریده‌ی تاریخی دریافت نمایند.

از این روی یک محقق و مورخ از مراجعه به این دسته از منابع که موضوع بحث محسوب می‌شوند؛ ناگزیر خواهد بود، هرچند که کار با اسناد خالی از دشواری‌های علمی و عملی و مصدقی نیست. اما با رجوع به اصل سند و یا لاقل عکس و تصویر آن‌ها و ممارست در بازخوانی و مفهوم‌سازی عناصر و محتوای آن‌ها، تا حد زیادی می‌توان بر فراز و فرودهای پژوهش‌های مبتنی بر سند، فائق آمد. منتهی برای آنکه ادراکات و استنباطات تاریخی را با اطمینان و اصالت بیشتری عرضه کنیم؛ می‌بایست تدبیری اندیشید تا شناخت و تشخیص کیفیات و مشخصات شکلی و درون محتوایی اسناد، به طور کامل و کاربردی میسر و میسور گردد.

درست است که یافتن اسناد و مدارک معتبر موجود در سازمان اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) و سایر مراکز آرشیوی، می‌تواند تاریخ را در شناخت حقیقت و تدوین تاریخ‌پژوهشی در خور اعتماد، هدایت کند. اما سندپژوهان، پژوهشگران اسناد تاریخی و حتی فهرست‌نویسان اسناد قدیمه، به ناچار برای شناخت اسناد و دریافت اصالت وجودی هر یک از آنان می‌بایست؛ اصول و روش‌شناسی هر نوع سند تاریخی را مدنظر قرار دهند. آنگاه با همت‌افزایی در تفحص‌های خود، آزمودگی و تبحر لازم را در این مسیر بدست آورند؛ تا اسناد سلطانی و دیوانیات ما به خوبی خوانده و تشریح شوند.

... به هر حال علم به گذشته، همان اندازه مهم است که علم به زمان حال، در واقع، گذشته چراغ راه آینده است و حال و آینده، بدون توجه به گذشته، معنا و مفهومی ندارد. بسیاری از اطلاعات و دانسته‌های ما

کار سندشناسی، روشن کردن توسعه تاریخی استناد، به اضافه ساختارشناسی آنان در روزگاران گوناگون است. با این نگاه که سندشناسی فارسی هنوز نوپا و جوان است و نیاز به نگارش، فرضیه پردازی و تبادل نظر فراوان دارد

اصالت سند (اصل و جعل بودن آن)، ترسیم فرایند فهرستنوبیسی و تنظیم و توصیف صحیح و کم نقص استناد آرشیوی، و سرانجام دریافت شاخصه‌های روشمند در انجام پژوهش‌های استنادی و سندپژوهی، کمک شایان توجهی می‌کند که مراحل انجام این مهم (سندپژوهی) در چهار مرحله اساسی: خواندن سند- بازنوبیسی سند- مقابله سند- معروفی سند با تمامی لوازمات علمی پژوهشی اش مثل توضیح و تشریح عناصر و اجزاء و مصادیق شکلی و بطنی سند، مدنظر قرار می‌گیرد.

به هر تقدیر بد نیست که در میانه بحث به تنوعات استناد آرشیوی و یا به برخی حقایق نهفته در آن‌ها اشاره‌ای داشته باشیم تا کاربران استنادی با گستره موضوعی- پژوهشی استاد هر چه بیشتر آشنا شوند. البته بیان این مطلب بسیار مختصر و گلچین شده خواهد بود. و قدر مسلم استاد بستر بسیار مناسبی هستند که می‌توانند چون چشممهای زلال طرز مکاتبات اداری و سیستم دیوانسالاری و ترتیب ثبت و ضبط نامه‌ها و احکام و چگونگی به کارگیری اصطلاحات اداری، دیوانی، سیاسی، اجتماعی و مالی، شیوه نگارش و تحول آن‌ها را در خود جای دهند. متعاقب آن ترتیب قبالنوبی و نحوه تهیه اوراق استنادی و اوراق صریحه (استناد مالی و قضائی) در دوره‌های گذشته چگونه سندنوبیسی می‌شده است. آشنای با وضع اقتصادی و مالی کشور و مردم، طرز رفتار کارکنان و ماموران دولتی با مردم، بازیافت مسائل گوناگون اجتماعی از جمله میزان مشارکت مردم در امور خبریه و عام المنفعه مثل وقف و نذورات... و روشن شدن نکات جغایی‌بیانی و دلبلستگی‌های سرزمینی برای دولت و ملت. کشف خلیقات، آداب و رسوم و چگونگی تحولات فکری مردم. دریافت تطور و تکامل خط فارسی. آشنایی با تحول و تطور فن نویسنده‌گی و انشاء. بررسی مهرها، طرح‌ها، دستخط‌ها، امضاهای و توثیق‌های پادشاهان و امرا و اولای امروز. و سرانجام اینکه تحول در وضعیت هنر و علاقه‌مندی به آن نیز نشان می‌دهد که استناد علاوه بر بار محتوایی، از نظر هنری نیز حاوی ارزش‌های فراوانی است. رنگ، تذهیب، خط، کاغذ و امور وابسته به آن در اعصار و دوران‌های مختلف بیانگر ذوق و علاقه‌مندی مردم به هنر و جلوه‌های خاص آن بوده است.

بگذریم، همان گونه که در سطور قبل اشارتی رفت، امروزه آرشیویست‌ها و سندشناسان، معتقدند: که استناد آرشیوی (دولتی و ملی همچون: فرامین و امثال‌ها، وقمات، احکام و یادداشت‌های سیاسی، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، گزارش‌های محلی، وقتفنامه‌ها، مصالحه‌نامه‌ها، تذرنامه‌ها، تقسیم‌نامجه‌ها، مقاطعه‌نامه‌ها و سایر استناد تاریخی و...) کاربرد فراوانی در تحقیقات

تاریخی و آرشیوی با دشواری‌های فراوان در استنطاخ خود در نوع سند روبرو می‌شوند و به مرور در قبول و تعبیر مفاهیم استنادی و اقسام سند دیوانی و... دچار تسامیج و بی‌تفاوتی خاصی می‌شوند و همه چیز را با اطلاعاتی اندک شبیه‌سازی و با ناپیختگی همانندسازی می‌کنند. از جمله به یک فرمان و دستور کتبی پادشاهان در زمان واحد گاهی فرمان، زمانی مثال هنگامی منشور و در جای دیگر برقی، حکم و یا رقم گفته‌اند و یا اینکه توقیع و طغرا را گاه معاویر در زمانی معادل یکدیگر می‌شناختند. حال آنکه هر یک از این اصطلاحات برای موردی خاص و زمانی معنی بوده و با دیگر واژگان دیوانی تفاوت‌های زمانی و تاریخی داشته است. حتی این موضوع در باره اصطلاحات و لغات سندی تاریخی درون متنی استناد نیز صادق است. چنانچه هر لفظ بنا بر زمینه‌های تاریخی اش معنا و مفهومی ویژه دارد که برای نمونه و مثال می‌توان به لفظ کارخانه، اشاره کرد که دارای سه معنی متفاوت بوده است: ۱. در عصر مغول محل ساختن ابزار جنگی به دست هرمندان اسیر و غیر آن. ۲. در دوره صفویه... قاجاریه، کارخانه به معنای مطبخ، حواجن خانه و آشیزخانه به کار رفته و بالاخره، کارخانه یعنی محل تولید آشیای صنعتی که معنای فعلی از همه معروف‌تر بوده است؟

بنابراین مطمئن‌ترین وسیله برای شناخت استناد، وجه تسمیه و درجه اهمیت آن‌ها، خود استناد هستند که در دوره‌های خاص و با کاربردی ویژه به منصه ظهور رسیده‌اند. از این رو سندشناسان معتقدند که استناد تاریخی را می‌باشند با کمک دانش و فن سندشناسی قاعده‌مند و تعریف و تشریح کرد. با این تعبیر که سندشناسی، یعنی: بررسی اجزا و مصادیق و عناصر شکلی و درونی انواع سند. شامل: محتوا، سبک نگارش، اصطلاحات که با نگاهی علمی و روشمند مورد مذاقه و تحلیل قرار می‌گیرند. به عبارتی دیگر سندشناسی، تاریخ استناد است. در این دانش از قدیم‌ترین سند تا جدیدترین سند مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بین قدیم و جدید فرقی وجود ندارد... بنابراین هدف تاریخ استناد، آشکارسازی کاربرد استناد است. چرا که استناد برای تبادل نظر یا ارائه مطلبی از طریق نوشتار، منجر به واکنش‌های مختلف از طرف مقابل خواهد شد. پس سندشناسی، کارش روشن کردن توسعه تاریخی استناد، به اضافه ساختارشناسی آنان در روزگاران گوناگون است. با این نگاه که سندشناسی فارسی هنوز نوپا و جوان است و نیاز به نگارش، فرضیه پردازی و تبادل نظر فراوان دارد. کوتاه سخن اینکه فایده علم سندشناسی، این است که کارشناسان سند و سندشناسان را در ارزشیابی استناد دولتی و خاندانی، تعیین

در خصوص تدوین و تنظیم اصول و شاخصه‌های استناد تاریخی، نه آثار به اندازه‌ای داریم و نه آموزه‌ها و تشریح سندشناسانه این استناد را برای دانشجویان تاریخ و پژوهشگران و فهرست‌نویسان استناد قدیمه و معاصر، جدی گرفته‌ایم

توضیف استناد تاریخ

و روش‌شناسنامه‌ی پژوهش‌های استنادی و انجام سایر امور، نیاز مبرم به مشاوره کارشناسان سند، آرشیویست‌ها، تاریخدانان و ادبیان اشتایی به آداب ترسیمات و اصطلاحات دیوانی و ساختارشناسان انواع سند تاریخی و مکاتبات متشیانه و عالمانه دارند. با این اوصاف، اولویت در اداره‌ی آرشیو و آرشیوداری متناسب با تاریخ، فرهنگ و اقیم‌شناسی ایران بزرگ و با استفاده از سیستم نظاممند مدیریت استناد و مدیریت آرشیو، بهتر آن است که این نهاد اجرایی -فرهنگی، توسط تاریخدانان، ادبیان، تحصیل‌کرده‌های علوم سیاسی، کارشناسان مددکار مصادیق و نمونه باز ارزش اداری و استنادی استناد آرشیوی مراجعة نکند و به ارزش استنادی استناد آرشیوی التزم نداشته باشند؛

با این اوصاف، اولویت در اداره‌ی آرشیو و آرشیوداری متناسب با تاریخ، فرهنگ و اقیم‌شناسی ایران بزرگ و با استفاده از سیستم نظاممند مدیریت استناد و مدیریت آرشیو، بهتر آن است که این نهاد اجرایی -فرهنگی، توسط تاریخدانان، ادبیان، تحصیل‌کرده‌های علوم سیاسی، کارشناسان مددکار مصادیق و نمونه باز ارزش اداری و استنادی استناد آرشیوی مراجعة نکند و به ارزش استنادی استناد آرشیوی متناسب باشند؛

از جمله مصادیق و نمونه باز ارزش اداری و استنادی استناد آرشیوی همین بس که، اگر متفقین در جنگ جهانی دوم، به استناد جنگ جهانی اول رجوع نمی‌کردند، هرگز نمی‌توانستند ضعف و قوت‌های آلمان نازی را در بیند و هیتلر و فرماندهان او را آگاهانه و با تکیه بر استناد آرشیوی اوزارت جنگ |شکست دهند. و نیز شواهد امر نشان می‌دهد که ماجراهی نهضت ملی شدن صنعت نفت هم در اصل با تکیه بر استناد آرشیوی تحقق یافته است. پیداست کشوری که آرشیو ملی منسجم و مستقل و دارای شرح وظایف مشخص و با اختیارات کافی نداشته باشد، مسلمان راهی به توسعه‌های همه جانبه نخواهد برد.

چرا که با نگاهی کلی و از دیدگاهی آرشیوی این گونه برآورد می‌شود که مورخ، تنها فردی نیست که تاریخدان و تحصیل کرده رشته تاریخ باشد، بلکه هر محقق و پژوهشگری که از جنبه‌های مختلف علمی و استنادی و مصادیق و... به سازمان استناد ملی ایران بپاید و در زمینه تخصصی و پژوهشی خود، استناد و مدارک را مبنای کارش قرار دهد مورخ نام دارد. زیرا که برایند و خروجی پژوهش‌های به عمل آمده چیزی جز استناد و تولید تاریخ در قالب پژوهش‌های استنادی و سندپژوهی و حتی تحلیل و تطبیق تاریخ نخواهد بود که به شکل مقاله و رساله و یا کتب مستند تاریخی تنظیم و تدوین می‌یابند. و مثلاً ضمن خلق آثاری در زمینه تاریخ پژوهشی، تاریخ مهندسی و تاریخ اندیشه‌های مدنی در تحولات شهرسازی ایران و...؛ می‌توانند ارزش علمی استناد تاریخی را نیز نمایان سازند و به عرصه و پیکره‌ی تاریخ علم بیفزایند و کمک شایان توجهی را به زمینه‌های توسعه‌ی اقتصادی سیاسی فرهنگی و علمی و... ارزانی دارند.

البته پر واضح است که پژوهشکان، مهندسین، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و سایر متخصصان در انجام تحقیقات تاریخی استنادی خود همواره در بازخوانی استناد، سیر مطالعات تاریخی و آشنایی با منابع مکمل و مرجع

در این خصوص لازم به یادآوری است که آرشیوهای ملی تمام کشورها از جمله سازمان استناد ملی ایران، برای ارزشیابی استناد، فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی استناد اهدایی و خریداری و پرونده‌های راک اداری و نیز مرمت استناد، علاوه بر متخصصان ادبیات و تاریخ، از دیگر کارشناسان رشته‌های مختلف همچون: جامعه‌شناسی، اقتصاد، ترجمه زبان‌های خارجه، جغرافیا، شیمی و سایر رشته‌های کارشناسی بی‌نیاز نمی‌باشد؛ هر چند که در حال حاضر ضرورت و گستره‌ی رشته و گرایش سندشناسی و سندپژوهی و مطالعات آرشیوی، بیش از پیش آشکار و اجتناب‌ناپذیر است و ظرفیت مناسی برای بومی‌سازی این رشته‌ی کاربردی، در سطوح تحصیلات تکمیلی وجود دارد.

بنابراین سند تاریخی که قدیمی‌ترین آن در آرشیو ملی ایران (سازمان استناد ملی...) به دوران ایلخانی و سال ۷۲۶ آق. باز می‌گردد؛ نوشتة و مأخذی قابل اعتماد و استناد است که در هر کجا و برای همه کس، قابل توجه و استفاده است و از دیگر سوی، برای مورخ، سند اساس قضاوت در

توضیح و تفصیل عبارتند از: ۱. قبل از صفویه. ۲. صفویه. ۳. افشاریه. ۴. زندیه. ۵. قاجاریه. ۶. پهلوی اول. ۷. پهلوی دوم. ۸. پیروزی انقلاب اسلامی. این استاد هر چه از عهد قاجاریه به قبل می‌رود کمتر و هر چه به سمت قاجاریه و پس از آن سیر می‌کند برگ به برگ افزایش یافته است. بدین ترتیب شناخت تاریخی استاد از دوره‌ی صفویه تا قاجاریه به لحاظ کمی و کیفی و تنوع در انواع سند از جایگاه رفیع تری برخوردار است. البته هر چه استاد تاریخی قدمی‌تر باشد سندپژوهی و تنظیم و توصیف آن‌ها دشوارتر و نیاز به تأملات و مهارت سند شناختی بینشتری دارد. در این میان ادبیات سندخوانی، واقعه‌شناسی، رجال‌شناسی، منصب‌شناسی، القاب‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، اقلیم‌شناسی، مهرشناسی، طفرشناسی، خط‌شناسی، تذهیب‌شناسی، کاغذ‌شناسی و به طور کل ساختار‌شناسی استاد/ و کاربرد تمامی استاد تاریخی طبیعتاً از جمله مصاديق اصلی دانش سندشناسی به شمار می‌آیند. پراوضح است که کاربرد و زمینه‌های تاریخی: یزلیع، ال تمعلاً خطاب، مخاطبه، فضول، مثال، سندی‌داداشت، منشور، ختم‌نامچه، مشافهه، فرامین و رقمات عهد صفویه افشار و زندیه و قاجاریه، سند فرد و برادرانه است که می‌توان مورخین و کارشناسان برنامه ریز استاد را در رسیدن به واقعیات نهفته در سطوح پیچیده استاد تاریخی رهنمون و مشاوره داد.

با این وصف نگارنده معتقد است که سند ابزار و نوشته‌ی منحصر به فردی است که هر چند عناصر درونی و برونی آن به ظاهر غیر قابل پیش‌بینی و خیلی هم قاعده‌مند نیست، اما به کمک علم سندشناسی می‌توان، سبک‌شناسی و آین نگارش استاد عرفی و شرعی را متن‌شناسی کرد و در این میان ترکیب سند، شامل: متن و اضافات (تحمیدیه، توشیح، توقیع، مهر، دفتری کردن، تاریخ کتابت، طغرا...). می‌تواند در تشریح و پیکرشناسی استاد نقش‌آفرینی بسازی داشته باشد. از دیگر سوی توجه به فرهنگ و تاریخ غنی کشورمان طلب می‌کند که برای تفصیل و درک مضمون استاد بیشماری که در سازمان استاد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) موجود هست نیروهای کارآمد و سندشناس را به کار بگیریم تا با استفاده از مبانی سندشناسی و تاریخ‌دانی مستند، در بومی‌سازی مقاهم و عناصر سنتی و عملیات آرشیوی راهی هموار را بپیماییم و بر اصول و مشترکاتی که از طریق شناخت استاد، بازخوانی و دریافت می‌شود، در

باره‌ی تاریخ گذشته است. زیرا بدون سند نمی‌تواند اظهارنظر کند و هر آنچه بدون سند باشد، قابل اتكا نیست یا اینکه فقدان سند لحظه به لحظه فاصله مسخر را از کنه حقیقت و قایع و یقین به موضوع دورتر و دورتر می‌کند. با این وصف کتاب، نوشته و پروژه‌ای قابل اعتنا و حائز اهمیت است که مبتنی بر استادی چون: گزارش‌ها، احکام، فرمان، نامه‌های اداری و دیوانی و عرضه‌ها و تظلم‌نامه‌ها و استناد شرعی و فقهی و نیز برات‌ها و حاله‌جات مالی و تجاری... بوده باشد.

به هر حال در یک تقسیم‌بندی عرفی و معمول آرشیوی که به لحاظ شکلی تأمین کننده‌ی تاریخ و تاریخ‌نگاری به شمار می‌آیند، انواع سند عبارتند از: ۱. منابع ذهنی و نقلی (تاریخ شفاهی). ۲. منابع باستان‌شناسی. ۳. منابع تصویبی و ترسیمی و... ۴. منابع مکتوب و نوشتاری. ۵. استاد و مدارک آرشیوی. درباره‌ی ارزش وجودی استاد مکتوب آرشیوی در قیاس دیگر منابع، باید گفت که استاد گذشته از آنکه وسیله‌ی مناسبی برای درک تاریخ و شناخت از تحولات اجتماعی، اقتصادی، دیوان سالاری، فرهنگی و نظامی، و تغیرات و تقسیمات کشوری هر جامعه می‌باشد، چون استاد حاصل فعالیت‌های اداری و امور روزمره زندگی افراد اجتماع است و برای حفظ روابط جامعه با دستگاه‌های اداری و دولتی تهیی و تنظیم شده و می‌شود، بدور از شایعه و شائبه، دروغ، نظاهر، اغراض خصوصی و ملاحظه کاری هاست و درست به سبب همین نقش اساسی و قابل اعتماد که سند در ضبط احوالات و قایع دارد، همواره اهمیت آن اشکار محزز بوده است. بنابراین با استفاده از سند به اشتباها، پرده‌پوشی‌ها، مجھولات، گزافه‌گویی‌ها و بالآخره ملاحظه کاری‌های برحی از تاریخ‌نویسان گذشته، می‌توان بی‌برد و حقایق امور را درک و کشف کرد. فرق سند با سایر منابع، از جمله‌ای دیگر نیز قابل تأمل است و آن اینکه محتوا و اطلاعات سند، بکر و اصیل و منحصر به فرد است و در اکثر مواقع نیاز به مقایسه و تطبیق با دیگر منابع ندارد، بلکه اعتبار سند تا به آن جاست که برای تشخیص صحت و سقم مطالب کتاب‌ها، نوشته‌ها، رسالات و خاطرات و خطرات می‌یابد، آن‌ها را با استاد آرشیوی تطبیق داد.

و اما سندشناسان و آرشیویست‌ها در تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی به طور فاحشی با تاریخ‌دانان اختلاف نظر دارند، زیرا آنان موجودیت و بومیت استاد آرشیوی را متناسب با گستره‌ی تاریخ و چغرافیای ایران مورد ملاک قرار می‌دهند و بدین‌سان روزگاران مردمان و حکومت‌های ایرانی را مطابق با موجودی استاد به هشت عصر و زمان مشخص تقسیم کرده‌اند که بدون

هدف از فهرست‌نویسی و توصیف استاد، طبقه‌بندی و حفظ و نگهداری استاد تاریخی و آرشیوی و درک مقاهم و سندشناسی و به خاطر قابلیت، ظرفیت و پتانسیل استنادی و پژوهشی آن‌هاست

تاریخی و اصطلاح‌شناسی اسنادی اش تعیین تکلیف و مفهوم سازی نشود؛ دچار تداخل تاریخی و بنهان‌سازی وقایع و حوادث تاریخی و دیوان‌سالاری عهدی و زمانی می‌شویم و به اسم کترول و فراردادهای واژگانی ممکن است مفهوم مخاطبه و لقب‌نامه و یا مجلس دارالشورای کبری با محسس شورای ملی مشروطیت و... یکسان‌انگاشته شوند و مورد رجوع یکدیگر واقع شوند. اسامی و نمایه‌های مستقل اسنادی در دل مکتوبات ارشیوی انقدر بیشمار و مرجح‌اند که هیچگاه نمی‌توان متراوف و یا یکسان‌سازی مناسبی را برای آنان در نظر گرفت. واقعاً مقام صدور عهد صفویه چگونه شغل و منصبی بوده است. چه نوع سندی را صادر می‌کرده‌اند. متراوف این شخصیت تاریخی و سند مثال به چه نحو ساخته و پرداخته می‌شود؛ تطبیق تاریخی و کترول نمایه‌ای آن‌ها با چه تعابیری سنجیده می‌شود. قدر مسلم استقلال این کلیدوازه‌ها در نهایت آخر مورد توافق فهرست‌نویسان و نمایه‌سازان واقع می‌گردد. زیرا که شبیه‌سازی معنایی و کاربردی برای این گونه نمایه‌های اسنادی شدنی نیست و باید گفت که مفهوم‌سازی هر نمایه‌ی تاریخی جز با زمینه و زمان سند و تحولات سیاسی اجتماعی آن‌ها قابل تطبیق و قیاس نیست.

و این مطلب به عنوان یک فرض اساسی به ذهن خلور می‌کند که در حین کار، داده‌های اسنادی می‌بایست به شکل اصولی از طریق کارشناسان اسناد و مورخین و ادبیان از متن و محتوای اسناد دولتی و خاندانی استخراج شوند و سپس در تنظیم ساختاری مستندسازی این کلیدوازه‌ها مشاوره‌ی کتابداران، نمایه‌سازان، اصطلاح‌شناسان علوم مختلف که در باره موارد یاد شده صاحب تجربه علمی و عملی هستند، می‌تواند، در این راه کمک شایان توجه‌ای را عرضه کند. فهرست‌نویسی و توصیف اسناد، نگاه سندشناسانه و تاریخ‌مدارانه می‌خواهد. فهرست نویس اسناد تاریخی نیز می‌بایست، وابستگی چرافیایی، تاریخ کتابت سند و تالگان شناسی سازمانی و دیوانی را بیش از سایر عناصر سند شناختی مد نظر قرار دهد و از این اصول، متعارفه غفلت نورزند. زیرا مزبور زمان اسناد راکد و ارشیوی را به سوابق تاریخی و استنادات کاربردی مبدل می‌سازد و پرونده‌ها و سوابق رو مرهای که هنوز آرشیوی و تاریخی شده‌اند، و زمان کافی و تعیین شده‌ای مثلًا (۴۰-۵۰ ساله) بر آن‌ها نگذشته است؛ شان و مقام فهرست‌نویسی را تجواده داشت و توصیف و تنظیم این گونه اسناد (جاری و نیمه جری) بنابر شرایط اجتماعی اقتصادی سیاسی و منافع ملی کشور، خارج شدن از اصول و روش فهرست‌نویسی اسناددارد و حقیقت‌گرایی است

ادامه‌ی راه تکیه‌گاه مناسبی را ترسیم و مهندسی نماییم و دقت داشته باشیم که ترکیبات سند (متن، شامل: مقدمه، رکن حال و رکن خاتمه) و اضافات آن و هر سندخوانی و تسلط کافی بر زمینه‌های تاریخی سند، تنها در امور سندپژوهشی و پژوهش‌های اسنادی کاربرد ندارد. بلکه در مرحله ثانی نیز عامل مهمی است در معیارشناسی فهرست‌نویسی و تنظیم و توصیف اسناد که برخلاف سایر منابع مکتوب، همچون کتاب که موضوع گرایست سند براساس منشا و منشائگرایی و وظیفه‌گرایی سازمانی سامان دهی و طبقه‌بندی می‌شود. در اصل سرشناسه سند منشاء سند است که ممکن است سازمانی و یا خاندانی (مجموعه‌های شخصی) باشد. در اصل فهرست‌نویسی سند: فرایند نظاممند است که از او اصل منشاء و نظم اویله سند (باخصوص اسناد اداری - دیوانی) پیروی می‌کند. سپس مسائل سندشناسختی در قالب: عنوان‌نویسی، شرح‌نویسی و استخراج نمایه‌های اسنادی و تشخیص دوره‌ی تاریخی و تاریخ تولید سند... که از مؤلفه‌های منسجم این فرایند تخصصی به شمار می‌آیند؛ ظهور و بروز می‌یابند.

در اصل تنظیم و توصیف اسناد می‌بایست با محوریت و اگاهی از تحولات اداری و سیستم دیوانسالاری و تقسیمات کشوری و مناسب سیاسی، اجتماعی و اصطلاح‌شناسی مبتنی بر ساختار انواع سند دیوانی، سلطنتی، اخوانی و... و همچنین اقلیم‌شناسی، رجال‌شناسی و از منظری دیگر تسلط کافی بر چکیده‌نویسی (خصوصاً چکیده‌ی توصیفی و تلگرافی...)، سجاوندی، واژبندی‌های مناسب، به دور از ایجاد و اطناب کلام و مفهوم‌سازی و مستندسازی کلیدوازه‌های تاریخی، انجام می‌باید. که به نظر می‌آید هر چه استنباطات منطقی و انتخاب نمایه‌های توصیفگر با زبان و زمان تاریخی و طبیعی سند تنظیم و مستند شوند، ارزش اسناد قدیمه و پرورنده‌های آرشیوی به جایگاه اصلی خود باز می‌گردد و اطلاعات اسناد به هیچ وجه تناسب و تطبیق زمانی و متنی خود را از دست نمی‌دهند. زیرا اتفاق افتاده که در موارد بیشماری کترول واژگانی نمایه‌های اسنادی و شبیه‌سازی معنای آن‌ها زمینه‌های تاریخی و سیستم دیوانسالاری سند و سوابق آرشیوی و اداری آن را دچار خدشه نموده، و باعث سردگمی کاربران و مورخین اسنادی شده‌اند.

آما مفهوم وزیر و وزارت و دیوان فرنگ در دوره قاجاریه و بهلوی اول با یکدیگر یکی است و جه افتراق و اشتراک آن‌ها در لفظ و معنا چگونه سنجیده و داوری می‌شود. باور داشته باشیم وقتی به متن اسناد رجوع می‌کنیم این گونه نمایه‌ها یکی دو تا نیستند و اگر لفظی با زمینه‌های

سند ابزار و نوشه‌ی منحصر به فردی است که هر چند عناصر درونی و برونوی آن به ظاهر غیر قابل پیش‌بینی و خیلی هم قاعده‌مند نیست. اما به کمک علم سندشناسی می‌توان، سبک‌شناسی و آیین نگارش اسناد عرفی و شرعی را متن‌شناسی کرد

توصیف اسناد تاریخ

توصیف اسناد تاریخ

اسناد تاریخی، بخشی از محتویات بایگانی‌ها و حافظه‌های فعالیت‌های دیوان‌سالاری و سیر تحولات اداری ماست که امروزه از مهم‌ترین منابع پژوهشی به شمار می‌آیند.

بدانند که کار بدون سند، شیرینی تاریخ و تاریخ‌نگاری را به تلخی دوری از واقعیات نادیده و ناشنیده مبدل می‌سازد. تاریخ‌نگاری روش‌مند به طور معمول و متداولش به سه گرایش نیازمند است: سند پژوهی (کسی که روی سند و کاربرد آن کار می‌کند و اسناد را به لحاظ عناصر سند شاختی تشریح می‌کند). پژوهشگر سند (پژوهشگر سند و پژوهشگران اسنادی آنانی هستند که با مجموعه‌های سند یا در یک موضوع خاص تاریخی، اسنادی را بازخوانی و تدوین می‌کنند؛ مثل نامه‌های امیر کبیر، مجموعه‌ی اسناد روابط ایران و عثمانی (...).) و سرانجام تحصیل کرده‌های تاریخ و تاریخ‌دانانی که از تمامی فرسته‌های تحقیقاتی، منابع مکتوب و مرجع و مأخذ معتبر و نیز مستندات سند پژوهی و پژوهش‌های اسنادی و ... بهره می‌جوینند تا مبانی نظری و وقایع تاریخی را فرضیه پردازی و در عین حال تحلیل کنند. البته به طور عرف و معمول، جامعه‌ی پژوهشی، به هر یک از این سه شخصیت علمی، مورخ اطلاق می‌کنند و کمتر عنوان اختصاصی آنان را به یاد می‌آورند که این امر خیلی هم، جای اشکال و خرد نیست.

بازنوبیسی نمونه سندی تاریخی از عهد قاجاریه

عنوان: حکم دیوانی اصادره از سوی نظام الدوله
دوره‌ی تاریخی: عهد مظفری: ۱۳۱۴ ق
شرح سند: برقراری و تأیید مبلغ پنجاه تومان اضافه مواجب دیوانی در حق میرزاحسن مستوفی
متن سند:

[تحمیدیه] «هو شانه»

[طغرا]: حکم عالی شد. آنکه چون موافق یک طغرا رای رقم حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا رکن‌الدوله^۵ و ثبت و سرنشته^۶ دفترخانه مبارکه / مبلغ دویست تومان به صیغه‌ی مواجب سرکاری در حق جناب معتمدالسلطان میرزاحسن خان مستوفی^۷ مستمر و برقرار بوده، از آن‌جا که مراتب شایستگی و راست [ارایت] قلمی مشارالیه مشهود افتاد/ و خاطر ما را از محاسن خدمتگذاری تحریرات رسائل و احکام ایالتی آسوده داشته، علیه‌هذا محض بذل مرحمت و شمول مکرمت که موجب تشویق مشارالیه باشد، به صدور این خطاب مستطاب از ابتدای / هذه السنه پیچی نیل^۸

که نه تنها موجب پیدایی بلکه موجب پنهانی اطلاعات درونی و شکلی اسناد آرشیوی خواهد شد. و به خودی خود عناصری: چون عنوان، چکیده‌نویسی محتوایی، نمایه‌سازی و خصوصاً کترل و قابلیت دسترسی اسناد، بازبینی و ذخیره اطلاعات را دچار خذشه و نقصان می‌کند. و از همه مهم‌ترین شاخصه تاریخی شدن و آرشوی شدن اسناد و پرونده‌های اداری و مجموعه‌های شخصی به یک باره، از فضا و شرایط آرشیوی شدن رخت بر می‌بنند و راه دیگری را می‌پیماید و تجربه‌ای نامبارک را در مسیر خطا و آزمون‌های دست و با گیر و زمان بر، دریافت می‌دارد.

هدف از فهرست‌نویسی و توصیف اسناد، طبقه‌بندی و حفظ و نگهداری اسناد تاریخی و آرشیوی و درک مقاهمی سندشاختی و به خاطر قابلیت، ظرفیت و پتانسیل استنادی و پژوهشی آن هاست و همان گونه که می‌دانیم، سند به هیچ‌وجه به صرف مطالعه و خواندن و استفاده‌های صوری ساماندهی و ذخیره‌سازی نمی‌شوند؛ بلکه طبق مطالعات انجام شده در چندین سال اخیر مراججه پژوهشگران به آرشیو ملی و کتابخانه‌های مرجع بسیار چشمگیر بوده است و این امر نشأت گرفته از نقش سند و نسخ خطی در اعتباری خشی بیشتر به تحقیقات تاریخی و تاریخ علم است.

البته بحث پیرامون عکس، نوار، فیلم، اسکن، اسناد الکترونیکی و به طور کل نرم‌افزار و سخت‌افزارهای رایانه‌ای در فرایند اطلاع‌رسانی اسنادی جای خود را دارد که در این مقال نمی‌گجد.

می‌دانم که کلام به درازا گشید؛ اما در پایان بحث به این نکته درخور تأکید اشاره می‌کنم که کشور بزرگ و صاحب تمدنی چون ایران، شایسته است که آرشیو ملی اش (سازمان اسناد ملی ایران) در کتابخانه ملی و نیز سازمان میراث فرهنگی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی و سایر مؤسسات تمدنی، جایگاه اصلی و تخصصی خویش را دریابند و در این رهگذر توسعه‌های اجتماعی فرهنگی اقتصادی سیاسی و علمی و... بیش از پیش بر پهنه‌ی این کشور سترگ ریشه دواند. زیرا سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در بعد اجرایی و فرهنگی اش و امداد هویت و تاریخ و تمدن ملی و میهنی ایران است و بخصوص که ساختار اجرایی آن به عنوان حافظه و بایگانی کل مملکتی می‌تواند؛ دولتمردان و کارگزاران نکته سنج را به سمت و سوی دیدن سوابق و استنادسازی پژوهه‌های کلان ملی رهمنون سازد و میزان خطای و صرف هزینه‌های غیر ضروری را متنفی گرداند. از جنبه‌های فرهنگی - پژوهشی هم مورخین، سازمان اسناد ملی را خانه‌ی اصلی خویش



- ملی، ۱۳۵۰، صص ۸۳-۹۰.
۳. همان: حص ص ۹۰.
۴. با توجه به تassیمات هشت گانهای که داشتم و بخصوص از عصر قاجاریه به بعد....
۵. احتمالاً امده‌تنی میرزا، فرزند محمد شاه قاجارا
۶. عز سرشنی: سعورت حساب، دفتر حساب، یادداشت، نوشته، گزارش، سرشنیداری؛ عمل و شغل معاشره کردن وجوهات و مخارج دیوانی، حسابداری اداره مالیه. (ن.ک.): فرهنگ فشرده‌ی سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۸۸).
۷. میرزا حسن خان، فرزند میرزا یوسف مستوفی‌المالک، وی در سال ۱۳۰۳ق. تمامی مشاغل و مستویت‌های استیقا را که از آن پدرش بود به او سپردند (ن.ک.: کریم سلیمانی، لقب رجال دوره‌ی قاجاریه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴).
۸. از سال‌های دوازده‌گانه ترکی، سال میمون.
۹. [میرزا اسدالله خان، فرزند میرزا علی اصغر مستوفی تبریزی....]

خبریت تحويل و ما بعدها، مبلغ پنجاه تومان بدون رسوم، اضافه بر دویست تومان مواجب سرکاری سابق او فرمودیم که همه ساله از قرار صدور برات دفترخانه اخذ و دریافت داشته/ آسوده‌خاطر و مرفة‌الحال، به شرایط خدمتگذاری دولت جاوید [عزت/ مدت/ عدت?] پردازد، مقرر آنکه مقتمدالسلطان مستوفیان عظام شرح این حکم مطاع را ثبت و ضبط نموده و در عهد شناسند. تحریراً فی شهر رمضان المبارک ۱۳۱۴ق. ملاحظه شد. مهر: هو ناظم‌الدوله^۹

پی‌نوشت

۱. در ابن زمنه، ر.ک: فدایی عراقی، غلام‌رضاء؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد ارشیوی؛ تهران، سمت، ۱۳۷۷، صص ۱۲-۱۳.
۲. ر.ک: قائم‌مقامی، جهانگیر؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی؛ تهران، انجمن آثار

